

مردم ایران، سال نور با به سال
مبارزه برای نابودی جنگ
سوتکونی رژیم خمینی
و استقرار صلح و آزادی تبدیل کنیم

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

۱۰ صفحه - ۵۰ ریال

دوره ۴ - سال دوم
شماره ۲۱ - اسفند ماه

ارگان پیرو برنامه (هویت)

بخشی از خوانندگان نیز که تمایل بیشتری بسوی همکاری با ما داشته اند، خواستار روشن کردن بعضی مواد برنامه (هویت) بوده اند. تعدادی از نامه ها هم عموماً به این مسأله پرداخته اند که چرا ما فقط با یک یا دو جریان مبارزه ایدئولوژیک می کنیم و با همه مرزبندی نمی کنیم و خط و مرزهای خودمان را روشن نمی کنیم و بقول معروف سر هر ساله ای با هر نیرویی دست به یقه نمی شویم. عده ای هم سوال کرده اند که چه کسی می تواند هوادار یا پشتیبان سازمان ما باشد و چه کسی می تواند در رابطه تشکیلاتی با ما قرار گیرد ما ضمن تشکر از همه کسانی که برای ما نامه نوشته و سوالات خود را مطرح کرده اند، ابتدا به توضیح چند نکته می پردازیم و سپس چند موضوع اساسی خود را تکرار می کنیم.

اولاً هر فردی می تواند از این با آن جنبه از سیاست ما یا از کلیت سیاستهای ما هواداری یا پشتیبانی کند بدون اینکه نسبت به ما تعهد مشخصی داشته باشد. طبعاً ممکن است دوستان و یا رفقای پیوسته ما بقیه در صفحه ۲

پاسخ به چند سوال

طی ماههای گذشته استقبال از نبرد خلق افزایش چشمگیری داشته است. نامه های متعددی دریافت کرده ایم که از ما خواسته اند تا تشریح را برای آنها بفرستیم. در این نامه ها همچنین سوالات و اظهار نظرات گوناگونی پیرامون حرکت سازمان ما، برنامه و چشم انداز آن نوشته شده است. جمعی از هم - میهنان موافق کامل خود را با برنامه (هویت) سازمان و برائت آن اعلام نموده اند. تعدادی موافق ما را پیرامون مسائل داخلی منجمله اعتقاد به مبارزه مسلحانه و شورای ملی مقاومت را تا شد اما در رابطه با موضوع گیربهای جهانی ما اظهار مخالفت می کنند. عده ای بر عکس موافق ما را پیرامون مسائل جهانی (کشورهای سوسیالیستی، جنبش جهانی صلح، تشنج زدایی و...) را تا شد کرده و بر عکس بر - مسائل داخلی نسبت به ما انتقاداتی وارد کرده اند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

سال نو و عید نوروز باستانی را به مردم ایران تبریک می گوید

ما جراجویی جنگی رژیم و شکست آن

رژیم جنگ افروز خمینی با آغاز عملیات والفجر ۸، که در ۹ فوریه امسال آغاز نمود و سپس عملیات والفجر ۹، دست به ماجراجویی جدید زد که ختم و انزجار مردم ایران و سراسر جهان را برانگیخت. این عملیات جنگ افروزانه علیرغم تبلیغات و هماهنگی رژیم برای خمینی جز شکست چیزی ببار نیاورد و نخواهد آورد. در شرایطی که این مقاله نوشته می شود (۱۷ اسفند ۶۲)، نیروهای جنگی رژیم عملاً در یک بن بست نظامی در "فاو" گیر نموده اند. موقعیت "فاو" شکنجی است که با باید رژیم بست بضره پیشروی نماید و با در همانجا در هم شکسته شود. با توجه به اینکه ارتش عراق بهیچوجه تن به بقیه در صفحه ۲

فاجعه ۴ بهمن، موضع ما و واکنش مخالفین باند حاکم بر اقلیت

جنایت باند حاکم بر اقلیت، که انشاءکننده خط مشی و نگرش حاکم بر جریان اقلیت بود، موجی از انزجار و تنفر نسبت به این اقدامات ضد دمکراتیک برانگیخت. در این میان بیانیه سازمان ما مورد استقبال وسیع هموطنان مبارز و نیروهای انقلابی مقاومت قرار گرفت. مخالفین باند حاکم بر اقلیت که خود را "شورای عالی" نامیده اند، نسبت به تاثیرات مثبت این بیانیه که چهره ارتجاعی و ضد کمونیستی باند توکل، بهرام، انظم را هر چه بیشتر افشا می کرد، واکنشی غیر سیاسی و کودکانه از خود نشان داده و گر چه تا کنون هیچگونه اظهار نظریری پیرامون نظرات سیاسی - ایدئولوژیک خود ننموده اند، اما بتحوی سعی کرده اند تمام سیاستهای اقلیت را تاخیر کرده و تنها مرکزیت آنها خطا کار اعلام کنند. مخالفین بجای اینکه موضع خود را قبال میرمتریس مسائل جنبش و خط مشی که منجر به بطرد شدن هر چه بیشتر اقلیت گشته، روشن کنند، سعی کرده اند که همانند توکل مبارزت به توهم برآکنی و ادعاهای توخالی بمانند. البته مجموعه سواضی که در این رابطه اتخاذ شده مستلزم یک تحلیل جداگانه است. اما موضع مخالفین باند توکل و نیز - منفعلیسین" راه بقیه در صفحه ۷

۸ مارس روز همبستگی بین المللی زنان گرامی بساد!

نقل از :
برنامه (هویت) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- لغو هر گونه تبعیض بر پایه جنسیت و رعایت کامل حقوق اجتماعی زنان، بنحویکه زنان از خط - سوزی اجتماعی مساوی با مردان برخوردار باشند و هر گونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت ملغی شود.
- زنان آزادانه باید در تمام فعالیتهای سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شرکت کنند و تمام قوانین ارتجاعی مربوط به خانواده، نامهر حق طلاق یکجانبه، تعدد زوجات و صیغه باید لغو شود.
- مقررات حجاب اجباری که ابزار فشار و ستم به زنان هست، لغو شود. زنان باید در ازای کار مساوی با مردان از حقوق و مزایای کامل و سایر تسهیلات چون شیر خوارگاه، مهد کودک، حق نگهداری و رسیدگی به کودکان در محل کار برخوردار باشند. کار زنان در رشته هایی که برای سلامتی آنان زیان آور است ممنوع اعلام شود. به زنان قبل و بعد از زایمان مرخصی با حقوق بر طبق استانداردهای جدید بین - المللی بدون کسر حقوق و با استفاده سجانسی از امکانات پزشکی و دارویی داده شود.

سر نوشت یک گردان

توضیح نبرد خلق :
آنچه در زیر می آید مشاهدات یکی از رفقا است که خود مدتی در سیخ فد خلقی خمینی، شاهد سیاستهای جنگ افروزانه رژیم بوده و توجه به سیاست فد مردمی خمینی به صفوف مقاومت و سازمان پیوسته است

مسائلی که در اینجا بیان می شود، شرح وضعیتی است که بطور عمیق آن را مشاهده، و لازم است مردم ایران و جوانان مملکت، نیز از آن با خبر شوند. تا سیاست جنگ افروزانه خمینی بیشتر برایشان روشن شود.
بقیه در صفحه ۲

عملیات پیشمرگان فدایی
پیرو برنامه (هویت)
در کردستان
در صفحه ۵

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

پاسخ به ...

بقیه از صفحه

شوند که خود فکر کنند از مواضع ما دفاع می‌کنند ولی به‌علل مختلف این تلقی درست نبوده و آنها به درجاتی با مواضع ما فاصله داشته باشند. در اینگونه موارد ما خود را موظف و حق دمکراتیک خود می‌دانیم که در صورت لزوم بصورت تذکر و با موضع‌گیری علنی و شرم خود را نسبت به اینگونه برداشته‌ها روشن کنیم. ثانیاً - آن افرادی می‌توانند با ما همکاری تشکیلاتی داشته باشند که برنامه (هویت) سازمان، اساسنامه و آیین‌نامه‌های داخلی آن را بطور کامل قبول کنند و در جهت پیشبرد سیاستهای سازمان مجادله بکشند. تجربه بحرانی درون نیروهای مدعی مارکسیسم به ما نشان داده که هر گونه وحدت و اتحاد تشکیلاتی بدون وحدت در برنامه و اساسنامه منجر به تلاشی خواهد شد. مخصوصاً که ما ابتدا برنامه (هویت) سازمان را اعلام نموده و بارها خواسته‌ایم که کسانی که خطوط سیاسی، ایدئولوژیک، تشکیلاتی ما را می‌پذیرند به ما بپیوندند. ما ضمن اینکه بارها از هر درجه‌ای از همکاری با افراد و محافل و جریان‌های مختلف استقبال کرده‌ایم، اما همکاری در چهار چوب تشکیلات را همواره منوط به پذیرش برنامه و سیاستهای سازمان دانسته‌ایم. طبعاً در چهارچوب اصول اساسی برنامه و سیاستهای ما، مسلماً بر سر مسائل دیگر مبارزه ایدئولوژیک درونی برای هر چه اصولی تر اتخاذ کردن مواضع جریان خواهد داشت. ثالثاً - بنظر ما برنامه (هویت) و اصول نظری سیاستهای ما کاملاً با تمام جریان‌های بورژوازیستی خرده بورژوازی و فرقه‌های سکتاریستی و ... مرزبندی دارد. بحرحث ما می‌توانیم ادعا کنیم که تا کنون برنامه و سیاستهای صریحتر، روشنتر مشخص‌تر و قاطع‌تر از ما در سطح نیروهای مدعی م. ل. و وجود نداشته است. بعقافه ما بر سر مهمترین مسائل جنبش همواره از یک مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک طبق نقشه استقبال و در حد توان و امکانات خود بدان دامن زده‌ایم. در این رابطه ما می‌گوئیم که در این مبارزه نیز ضرورت‌های جنبش را مد نظر قرار دهیم و از این جهت عموماً از مباحثات بی برنامه و غیرسودمند و نیز مباحثاتی که جریان‌های انحرافی برای حفظ موقعیت خود آنها عمده می‌کنند، دوری جوئیم (تجربه بحثهای مربوط به مسائل بین‌المللی پس‌از قیام بهمین که حزب توده با نقشه معینی آنها دامن می‌زد برای ما بسیار با ارزش است) مبارزه سیاسی ایدئولوژیک ما عملاً علیه خطر اصلی که جنبش انقلابی را تهدید می‌کند، یعنی خطر "راست" که خود را بشکل شوروی‌پاشی مبتنی بر تثبیت رژیم، قابل‌بیست استحاله پذیری رژیم، نفی مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم و ... نشان می‌دهد است. ضمناً ما برای تحقق وحدت کمونیست‌ها با سکتاریسم بمشابه اصلی ترین انحراف درون نیروهای مدعی مارکسیسم - لنینیسم می‌بینانی که بتواند ما را از وظیفه اصلی خود در این زمینه (مبارزه با راست) باز ندارد، مبارزه خواهیم کرد. با چنین معیار ی طبعاً ما با بسیاری

از جریان‌ها، گرایش‌ها و مسائلی که نقش عمده‌ای ندارند فعلاً برخورد نثوری نخواهیم داشت. ضمن اینکه ما با مبارزه با قطب‌های راست و "چپ" مرزهای خود را هر چه بیشتر روشن و انحراف‌های جلوگیری از نفوذ ایده‌های انحرافی ستر می‌نمائیم. در رابطه با مواضع داخلی و بین‌المللی ما گر چه در برنامه (هویت) سنجفا و نبرد خلق ارگان سازمان تمام مواضع داخلی و بین‌المللی ما به روشنی و با صراحت بیان شده ولی برای اینکه کسانی که می‌خواهند با سازمان ما همکاری نزدیک و تشکیلاتی داشته باشند بخوبی از مهمترین مسوالات ترین مواضع ما آگاه باشند به بهترین مسوالات و ابهامات احتمالی پاسخ می‌دهیم.

۱- در زمینه بین‌المللی تحلیل و سیاست صادر رابطه تحولات تاریخی مبتنی بر تحلیل ما از عصر کنونی است. ما مضمون عصر کنونی را نه عصر سوسیالیسم بلکه عصر گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم می‌دانیم و وظیفه تمام نیروهای بالند در سراسر جهان را نابودی سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم و کمونیسم یعنی جامعه‌ای عاری از طبقات و استثمار می‌دانیم. این وظیفه در کشورهای سوسیالیستی، بشکل مبارزه برای ساختمان سوسیالیسم و در کشورهای سرمایه‌داری بشکل مبارزه برای انقلاب سوسیالیستی و در کشورهای تحت سلطه بشکل مبارزه برای انقلاب دمکراتیک با سمت‌گیری سوسیالیستی مشخص می‌شود. طبقه کارگر جهانی بر محور عصر کنونی قرار دارد. در این رابطه به بیشترین سوال از موضع مادر قیام ماهیت اتحاد شوروی است. ما بارها گفته‌ایم که ما حزب، دولت و جناح شوروی را پرولتری و سوسیالیستی می‌دانیم و اختلافات ما با حزب کمونیست اتحاد شوروی در چهارچوب اختلافات درون جنبش جهانی کمونیستی است. مسوالاتی که ماهیت دولت شوروی را چیزی جز دولت سوسیالیستی و پرولتری نداند، نظراتی ارتجاعی ارزیابی می‌کنیم. طبعاً ما هیچگاه سیاست دنباله روانه احزابی مثل حزب توده از اتحاد شوروی را تأیید نکرده و معتقدیم که رابطه احزاب و جریان‌ها بسبب المللی کمونیستی باید بر اساس استقلال طرفین در تصمیم‌گیری (خود مختاری)، همکاری و احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر باشد.

۲- در زمینه داخلی نیز مهمترین و کلیدی ترین عنصر در سیاستهای ما اعتقاد به مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی بمشابه شکل محوری مبارزه و اعتقاد به شرکت در شورای ملی مقاومت بمشابه تنها الثرناتیو دمکراتیک رژیم خمینی می‌باشد. که در هر دو زمینه ما بارها اعلام موضع کرده‌ایم. در این رابطه می‌توان بحثهای متعددی را پیش کشید. می‌توان و باید با اشکالات و کمبودهای شوروی و نیروهای متشکله آن برخورد انتقادی داشت ولی برای اینکه مسئله بصورت کاملاً روشن حل شود، بنظر ما ابتدا باید به یک سوال اساسی که ما آنرا بصورت زیر جمع‌بندی کرده‌ایم پاسخ داد تا بتوان سپس به بقیه موارد پرداخت. سوال اینست که آیا کمونیست‌ها

تحت چه شرایطی می‌توانند در ائتلافی که رهبری آن بمعده نیروهای غیر کمونیستی است (دمکراتیک‌های انقلابی و غیره) وارد شوند

عده‌ای به این سوال جواب منفی می‌دهند و می‌گویند تنها ائتلافی مجاز است که رهبری آن با کمونیست‌ها باشد. این عده بنظر ما سیاستی سکتاریستی دنبال می‌کنند. جریان‌هایی هم تا حد دست شستن از سیاست مستقل و حل شدن در ائتلاف پیش می‌روند که بنظر ما اینهم یک سیاست اپورتونیستی راست است. سیاست لنینی در مورد ائتلاف و همکاری بر این اصل استوار است که این سیاست باید مبنی بر پیشرفت مبارزه طبقاتی پرولتاریا برای کسب قدرت سیاسی و استقرار سوسیالیسم باشد. بر اساس این سیاست می‌توان در ائتلافاتی با رهبری جریان‌های غیر کمونیستی شرکت کرد بشرطی که این ائتلاف مانع انکشاف مبارزه طبقاتی پرولتاریا نبوده و مانع تبلیغ، ترویج و سازماندهی مستقل کمونیست‌ها نشود. طبعاً باید گفت که هر ائتلافی همواره مشروط و موقتی است. مشروط بودن ائتلاف با قراردادی که بسته میشود و موقتی بودن بر اساس هدفی که آن ائتلاف در دستور کار خود قرار داده مشخص می‌شود. اینها اصول حاکم بر ائتلاف است. کمونیست‌ها باید برای تقویت ثقل انقلابی و ضد سرمایه‌داری و نیز تقویت پتانسیل و نیروی خود در جهت احراز رهبری جنبش بکشند ولی این به معنی این نیست که تا وقتی رهبری را در دست نداریم نباید در ائتلاف شرکت کنیم. بر این اساس ما در شورای ملی مقاومت که رهبری آن (نیروی محوری یا نیروی اصلی) با سازمان مجاهدین خلق است شرکت کرده‌ایم و با این سازمان در چهارچوب این ائتلاف برای سرنگونی رژیم خمینی و تسخیر قدرت بوسیله شورا، وحدت جبهه‌های داریم. ما معتقدیم که شرکت در این شورا که از ابتدا تا کنون رهبری آن بمعده مجاهدین خلق بمشابه یک سازمان دمکرات، انقلابی و ضد امپریالیست با ایدئولوژی اسلامی بوده، نه مانع انکشاف مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان و نه مانع تبلیغ، ترویج و سازماندهی مستقل ماست و ما عدم شرکت در این شورا را از طرف بخشی از نیروهای سیاسی یک خطای بزرگ می‌دانیم که آینده آنرا هر چه بیشتر روشن خواهد کرد. از این جهت است که ما از تمامی اقدامات این شورا به رهبری سیاسی هم رزم مجاهد سعود رجوی در زمینه گسترش مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی، و استقرار صلح و آزادی و متجمله از اقدامات بین‌المللی و دیپلماتیک این شورا بحسد پشتیبانی کرده و به مسئولیت خود در این زمینه همواره واقف و نتایج آن را به سود مبارزه دمکراتیک ضد امپریالیستی کارگران، زحمتکشان و خلق‌های سراسر ایران می‌دانیم. اما سیاست مستقل ما بخصوص در زمینه وظایف سوسیالیستی، باید مبنی بر تبلیغ و ترویج سوسیالیسم بمشابه قطعی‌ترین راه نجات کارگران و محرومان ایران و گسترش مبارزه طبقاتی کارگران علیه سرمایه‌داران و آشتی ناپذیری منافع

بقیه در صفحه ۹

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران است

سرنوشت...

بقیه از صفحه ۱

پانزده سال ۶۱، یلدگردان بسیج شامل ۳۶۰ نفر به نام گردان فتح راهی منطقه جنوب شد. این گردان پس از رسیدن به اهواز در پایگاه رجائی اهواز مستقر شد. اسلحه گردان کلاشینکف ساخت سوریه بود و مهمات آن ساخت ترکیه. هر گروهان گردان سه از بی سی داشت. پایگاه رجائی با توجه به اینکه در شهر بزرگی چون اهواز واقع بود، از نظر وضع نظافت حمام و استراحت کاملاً نقش داشت و تنها وضع غذایی آن تا حدودی خوب بود. ما دو هفته در پایگاه رجائی اهواز بودیم. در این مدت به کسی اجازه خروج از پایگاه را نمی دادند و فرماندهان کاملاً گردان را کنترل می کردند. در همین فاصله عده ای به بهانه حمام از پایگاه خارج و دیگر باز نگشتند.

بعد از دو هفته، بنا به دستور فرماندهی ما را به شهرک شانگان در نزدیک اهواز منتقل کردند. در این شهرک خانواده های ارتشی ها و سپاهی ها زندگی می کردند. وقتی به شهرک رسیدیم هیچ جای استراحت برای ما نبود. ما علاوه بر این از جرو بحث های زیاد در میان مسئولین شهرک و فرمانده گردان، قرار شد ما در خانه تا نماز بطور موقت مستقر شویم. در این خانه که نه در و نه پنجره و نه وسایل نظافت داشت، عده ای از بچه ها دجار بیماریهای مختلف شدند.

در حالیکه ما هنوز جنبه را ندیده بودیم، ولی روحیه بچه ها، با دیدن این وضع اسفناک روز به روز بدتر می شد. هنوز دو روز از ماندن ما در این شهرک نگذشته بود که حدود ۲۰ نفر از افراد گردان با موتور هم قصد داشتند به شهر اخرم آباد برگردند. آنان این مطلب را به فرمانده گردان که نامش حبیب بود و از پاسدارها و فداکارهای شد خلقی بود گفتند. حبیب اهل الیکوور بود. وی با رفتن افراد مخالفت کرد برای اینکه آنان فرار نکنند، جلوی شهرک یک بست بازرسی مستقر نمود. پس از چهار روز از فرماندهی کل دستور رسید که باید عازم منطقه دیگری شویم. چندین اتوبوس ما را سوار کردند و ما را به پایگاه مضافی خمینی در اندیمش بردند. این پایگاه با وجود اینکه از بعضی نظر ها خوب بود، ولی از نظر آب در مضافه کامل بودیم. در همان ساعات ورود به پایگاه عده ای در حدود ۴۰ نفر از افراد گردان به بهانه رفتن حمام اجازه رفتن به اندیمش را گرفتند. فرمانده گردان به آنان اجازه خروج داد و گفت بعد از ظهر همگی برگردید. آنها رفتند و حتی یک نفر از آنها هم برگشت. از فردای استقرار ما در این پایگاه، آموزش نظامی برای حمله شروع شد. این آموزشها، بسیار سطحی و ناقص بود. بچه ها می گفتند، ما با این آموزش مختصر چگونه میتوانیم بجنگیم. فرمانده گردان می گفت، خدا با ماست. در همین پایگاه معاون گردان بنام "سعید" که پاسدار و اهل پل دختر بود، بجرم دزدی اسلحه و مهمات که می خواست آنها را از پایگاه خارج کنند دستگیر شد. ما حدود یک ماه در این پایگاه ماندیم

و هر روز که می گذشت، روحیه افراد ضعیف تر میشد. تا با لآخره پس از یکماه دستور رسید که باید به منطقه عملیاتی "فکه" برویم. با اتوبوس راهی منطقه شدیم. البته هنوز اسلحه های افراد را تحویل خودشان نداده بودند و در یک محل نگهداری می شد. در منطقه "فکه" ما در منطقه ای که اصطلاحاً آنرا "خط دوم" می گویند مستقر شدیم. پس از یک روز اسلحه افراد گردان را تحویل خودشان دادند و گفتند که باید آماده رفتن به خط مقدم جنبه باشیم. تا اینجا ۹۰ نفر از افراد گردان فرار کرده بودند. وقتی شب فرا رسید، ما را وارد خط مقدم جنبه که به "شیب نسیان" معروف بود بردند. این منطقه در شمال شهر العمارة می باشد. در اینجا دیگر کمپوها به اوج خود رسید. بهم ریختگی جنبه آنقدر آشکار بود که هیچکس فکرش را نمی کرد. ما هم از لحاظ غذا، هم از لحاظ وسایل پزشکی، هم از لحاظ آب و ... در مضافه بودیم. بچه ها می گفتند با این وضع ما چگونه می توانیم بجنگیم و ما لایز حبیب می گفت خدا با ماست. بطور مثال وقتی برای ما غذا می آوردند، اصلاً قابل خوردن نبود. ما بهتر می دیدیم که اصلاً در غذا باز نکنیم و آنرا بگذاشتیم. ما سبزی می خوردیم. زیرا بویخ داغ را در کيسه های نایلونی می ریختند و در آنرا می بستند و پس از ساعتها بدمت ما می رسید. هنگامی که در کيسه نایلون را باز می کردیم، از بوی بغان هم سر درد می گرفتیم. وضع از نظر پزشکی بسیار اسفناک بود. یکبار یکی از بچه ها به نام جیاسختر سیبونه بیمار بود و زخمی شد. وقتی می خواستیم او را به پشت جنبه ببریم، حتی یک برانکاد برای حمل زخمی نداشتیم. به همین خاطر مجبور شدیم او را داخل یک پتو گذاشته و چهار گوشه آنرا بگیریم و زخمی را حمل کنیم. در بین راه اسب زخمی آنقدر به زمین خورد که نیل از آنکه به پشت جنبه برسد جان سپرد. به همین خاطر من پیش فرمانده گردان رفتم و به او گفتم، ما وقتی برای ما وسایل پزشکی به خط مقدم جنبه نرساند، ما به خط مقدم نمی رویم. وی در جواب گفت، کشور اسلامی شما اکنون در بحران بسر می برد و از لحاظ وسایل پزشکی هستیم و این تنها شما نیستید، بلکه در جنبه همه در مضافه هستند ولی ما خواست خدا و باری امام همه کارها درست می شود. بهر حال بعد از یک هفته ما را تعویض کردند و ما را به پشت جنبه آوردند. در این یک هفته ما وجود اینکه اصلاً جنگی صورت نگرفته بود ولی ۲۲ نفر زخمی شدند. وقتی به پشت جنبه آمدیم افراد گردان واقعا کلافه شده بودند و خلاصه عده ای به بهانه های مختلف و منجمله اینکه باید برای امتحانات مدرسه برویم به خرم آباد برگشتند. بطوریکه از ۳۶۰ نفر افراد اولیه تنها ۱۱۰ نفر باقی ماندند. به همین خاطر فرمانده گردان، تمام بچه ها را در یک گروهان سازماندهی کرد. پس از ده روز فرمانده محور که نامش پرویز بود به محل استقرار ما آمد و گفت برامان جمع شوند تا برایشان صحبت کنیم. این در شرایطی بود که هیچکس حال حرف زدن با دست خودش

را نیز نداشت. همگی، حتی آنان که سیگاری نبودند سیگار می کشیدند. روحیه افراد زیر صفر بود. دفعه قبل، هنگامی که عازم خط مقدم جنبه بودیم، همه بچه ها وصیت نامه خود را باید می نوشتند. این وصیت نامه ها روی یک کاغذ مارک دار که بهمین منظور چاپ شده نوشته می شد. در اینجا ما به یک مساله پیسی بردیم و آن اینکه فرمانده خودمان که یک فالانز بود دیر از رفتن به خط مقدم می ترسید. وی قبل از صحبت فرمانده محور به ما گفت بچه ها با رفتن به خط مقدم "تیه دو قلو" مخالفت کنید. چون اگر به آن منطقه برویم یکی از شما زنده بر نخواهید گشت. خلاصه فرمانده محور آمد و گفت تمام برادران امشب به خط مقدم "تیه دو قلو" خواهید رفت. افراد همه مخالفت کردند و دست به اعتراض زدند. در اینجا فرمانده محور از فرمانده تیب کمک خواست. روز بعد، فرمانده تیب که نامش را نکفت، به محل استقرار ما آمد و گفت که برادران امشب باید به منطقه تیه دو قلو بروند و جای آنها را که در آنجا مستقر هستند بگیرند. وی گفت من قول می دهم که پس از یک هفته شما را تعویض کنم. ملاحظه برادران صحبت خود، بدون اینکه به کسی اجازه صحبت دهد رفت. بعد از آن فرمانده ما آمد و ما حالست بسیار اسفناکی، که معلوم بود از ترس می باشد، گفت برادران ما مجبوریم به "تیه دو قلو" برویم. خلاصه هر کسی که به تیه دو قلو می رفت، امکان برگشتن و شمار کم بود. شب ما عازم خط مقدم شدیم. راهی که مستقیماً به خط مقدم تیه دو قلو می شد توسط نیروهای عراقی پس گذاری شده بود و لفظ جاده ای به عرض سه متر آن یالک سازی شده بود. قبل از ما نیروهای از بسیج تهران در منطقه مستقر بودند و ما جای آنها را گرفتیم. بچه ها از هر نظر غمناکی بودند. ولی می گفتند که حداقل خوراک جای مسجی های تهران آمدیم. چون آنان همه وسایل دارند و موقع رفتن مقداری از آنها به ما می رسد. هنوز یک روز استقرار ما در این منطقه نگذشته بود که ۲ نفر از بچه ها کشته شدند. در روز امکان حمل جسد به پشت جنبه نبود. ما مجبور بودیم، جسد را در گرمای آنجا روی زمین بگذاریم و یک پتو روی آن کشیم تا شب. شب هنگام جسد را با پتو توسط ۲ نفر به پشت جنبه که فاصله آن با خط مقدم حدود ۹ کیلومتر بود، حمل می کردیم. پس از مرگ این ۲ نفر با وجود اینکه هیچ حملیه ای نشده بود، ۱۱ نفر کشته دادیم. بچه ها بسیار غمناکی بودند. نه وسایل بهداشتی و نه خوراکی داشتیم و نه برنامه ای. بطور مثال هر گاه می خواستیم غذا از پشت جنبه بیاوریم، مجبور بودیم تا ۸ نفر یک فاصله ۶ کیلومتر از خط مقدم به طرف پشت جنبه برویم تا غذائی را که تدارکات در آن محل قرار داده بود بیاوریم. در جریان همین غذا آوردنها ۲ نفر از بچه ها کشته شدند. ما مجبور بودیم در این فاصله از یک دست ۵۰۰ متری عبور کنیم که عراقی کالواری آن دید داشت. خلاصه ما هر روز کشته می دادیم. در این موقع ما با کمبود نیرو روبرو بودیم. مرتب شایع بود در صحنه

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران

خبرهایی از وضع مصیبت بار زنان ایران تحت حاکمیت ارتجاع

در یکی از شهرهای ساحلی پاسدارها به مسلطون می‌گویند جورابت خیس شده و پای تو پیداست و همین حالا باید جورابت را عوض کنی - پاسدارها به این زن آنقدر بد و بیراه می‌گویند که این زن از لُـرطِ عصبانیت فریاد می‌زند ، يك روز هم نوبت ما می‌رسد و خدمت شما می‌رسیم .

گفته‌های کمیته‌های ضد خلقی و دایره‌های منگرات رژیم بطور دائم مزاحم زنان نهران می‌خوند - در مقابل ترس زنان نیز از آنها رنجته و در موارد متعدّد حسابی خدمت آنان می‌رسند - در ماه گذشته در میدان آزادی يك گفتگفت کمیته از يك دختر جوان که منتظر ایستاده بود ، می‌رسند چرا اینجا ایستاده‌ای . دختر جوان با يك سلی محکم و کمی فحش به پاسدار می‌گوید برای این - پاسداران او را دستگیر و با خود می‌برند .

سه دختر در يك پارک نشسته بودند که يك پاسدار زن امر به معروف می‌آید و به آنها می‌گوید چرا لباس رنگی پوشیده‌اید - دخترها پاسدار را حسابی لطمه کتف گرفته و هر چه می‌توانستند به او فحش می‌دهند - در يك هنگام دیگر پاسداران سر می‌رسند و دختران را دستگیر می‌کنند .

خمینی جلاذ برای هر چه گرم تر نگهداشتن تلوین جنگ ضد مردمی‌اش و بر اساس کمبود نیرو در جبهه‌ها ، يك سخنرانی اعلام نمود که زنان هم می‌توانند بر اساس ضوابط اسلامی و موازین شرع اسلام در دفاع شرکت کنند - بدین ترتیب خمینی که همه حقوق زنان کشور را زیر پا گذاشته است ، آنان را در قربانی شدن بلیغ سیاست توسعه طلبانه اش با مردان برابر اعلام نمود .

بوده و با شنیدن خبر سگته کرده و می‌میرد .

●

در یکی از دهات اطراف غرب تهران (منبع بزرگ گازویل تهران در این محل است) شورای اسلامی‌ده از ۵۰۰ نفر اهالی ، هر يك ۲۰۰۰۰ تومان برای زمین گرفته و بعد از مدتی زیاد به نصف آنها زمین میدهد و به بقیه برای چند سال آینده قول می‌دهد - که مورد اعتراض همگی قرار می‌گیرد - آنها به مزدوران رژیم در شورای اسلامی ده می‌گویند اینهمه اخاذی و جپاول شما بی جواب نمی‌ماند .

●

کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی روز سه شنبه ۲۵ فوریه ۱۹۸۶ با شرکت ۵۰۰ نماینده از نقاط مختلف شوروی و چندین هزار سبمان و خبرنگار و عکاس آغاز بکار کرد و پس از ده روز با موفقیت بکار خود خاتمه داد .

در تابستان امسال در بندر انزلی يك خانم ۱۹ ساله از اهالی اردبیل که تازه دیپلم گرفته بود و با خانواده‌اش برای گردش به بندر انزلی رفته بودند ، برای شنا به منطقه مربوط به زنان وارد دریا می‌شود و از محدوده مجاز دور شده و به جایی می‌رسد که دیگر قادر نیست خود را نجات دهد - وی در حال غرق شدن با فریاد زدن کمک می‌طلبد - پاسداران ما - انتظامات ساحل ، مانع نجات دادن وی توسط مأمورین نجات غریق می‌شوند و می‌گویند چون نجات غریق‌ها مرد هستند و نباید دست خود را به زن که نامحرم است بزنند - با لافزه این خانم در دریا غرق می‌شود و پس از سه روز جسد او به تور ماهیگیران می‌افتد - در دستان جسد او موهای سرش که در حال غرق شدن شدت گشیده بود وجود داشت - این حادثه موجی از خشم و انزجار در میان شاهدین جریان و مردم منطقه نسبت به پاسدارهای خمینی ایجاد کرد .

گسترش فحشاء

در همدان يك زن سوار تاکسی می‌شود و پس از کمی صحبت کردن به راننده تاکسی می‌گوید من زنه‌ای بسیاری دارم که می‌توانند به شما خدمت کنند - او يك البوم از زنان مورد نظر را نشان راننده تاکسی می‌دهد - راننده تاکسی در بین عکسها عکس همسر خود را می‌بیند - راننده می‌گوید فردا من می‌آیم و این زن را می‌خواهم - فردا هنگامی که راننده به محل قرار می‌رود و زن خود را می‌بیند ، او را می‌کشد - پس از دخالت شهرداری يك شبکه از چنین زنانی کشف می‌شود که با پاسداران همدان و بروجرد و يك دکتور از همدان یا بروجرد مربوط بوده‌اند .

اخبار کوتاه

در اردبیل تعدادی از مجاهدین که قبل از ۳۰ خرداد ۶۰ دستگیر شده بودند ، در آبانماه امسال آزاد می‌شوند - آنها همگی قرار می‌گذارند که به هفت‌های مقاومت می‌پیوندند - آنها پس از مخفی شدن به دادستانی اردبیل تلفن کرده و می‌گویند ما شما را بخاطر جنایت هایت مجازات می‌کنیم - دادستانی پدر يك نفر از این افراد را با ضامن او می‌گیرد و میگوید باید بچه خود را تحویل ما دهی - در همین رابطه شکنجه گران رژیم عده‌ای از زندانیان را زیر شکنجه می‌برند و يك نفر را با اتوی داغ می‌سوزانند که منجر به شهادت او می‌شود - یکی از خواهران شهید اخیر در مراسم خاک سپاری کفن وی را باز می‌کند و به مردم نشان می‌دهد - خواهر دیگر این شهید قهرمان وقتی خبر را می‌شنود که در بیمارستان برای زایمان



طی ماههای بهمن و اسفند ، رژیم خمینی تعداد زیادی از انقلابیون ایران را به جوخه‌های اعدام سپرده است .

به گزارش نشریه مجاهد طی ماههای اخیر ۱۶۸ تن از زندانیان سیاسی اعدام شده‌اند - بر اساس این گزارش اسامی بعضی از اعدام شدگان بفرز زیر است: خسرو پذیرایی ، فرید خندان روشکی ، فرامرز وزیری ، عبدالرضا بهرامی ، مسعود مهربان ، قلامرضا اکبری ملگرد ، حسن نیکفر ، مرتضی قاسمی نژاد ، اکبر امان‌الهی ، مهرداد اردلان ، منصور کریمی ، محمود اسماعیلزاده ، احسان سعیدی و حسین قزوان چاهی .

به گزارش همین نشریه در ۱۹ بهمن یکی از مجاهدین بنام تقی صالحی در شکنجه‌گاه اوین اعدام می‌شود .

در تاریخ ۳ اسفند ۶۲ ، مجاهد قهرمان امیر سیاهی درانی (سعید) در جریان يك مأموریت سازمانی به علت تصادف اتومبیل شهادت رسید - شهادت این مجاهد قهرمان را به سازمان مجاهدین خلق ، خانواده این شهید و به نیروهای انقلابی مقاومت تسلیت می‌گوئیم .

شبنامه‌های مقاومت

این اعلامیه از طرف رفقای سازمان در تهران در ۱۰۰ نسخه تکثیر و در میدان قزوین ، چهارراه لشکر نظام آباد و ستارخان پخش شده است .

گرانی و تورم

گرانی و تورم ، همزادان رژیم مرتجع خمینی هستند و در کنار استبداد قرون وسطایی ، ترور و خلفان ، جنگ و کشتار ، ورشکستگی و خیانت ، جزئی از ماهیت آنرا تشکیل می‌دهند - روزی نامه کمیته‌ها در ۱۸ آذر ۶۲ در گزارشی پیرامون شاخص‌های عمده فروشی کالاها در آبان ۶۲ نوشته است که این شاخص " نسبت به ماه قبل همین سال ۱/۵ در صد بالا رفته و " در مقایسه با همین ماه در سال قبل ۵ در صد ترقی کرده است " و اعتراف کرده است که در هفت ماهه بقیه در صفحه

نابودباد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

بمناسبت ۱۹ بهمن سالروز حماسه سیاهکل

پایگاه "کاسی بی" مزدوران رژیم خمینی مورد حمله پیشمرگان فدایی- پیرو برنامه (هویت) قرار گرفت

هم میهمان مبارز
خلق قهرمان کرد

در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۶۴ به مناسبت پانزدهمین سالروز حماسه سیاهکل ، روزیکه رزمندگان فدایی مزدوران رژیم شاهنشاهی را مورد تعرض مسلحانه خود قرار داده و آتش میازره مسلحانه را در ایران سر افروختند ، یک دسته از پیشمرگان قهرمان فدایی پیرو برنامه (هویت) ، بر طبق یک طرح دقیق و حساب شده ، در ساعت ۶:۱۰ دقیقه بعد از ظهر ، پایگاه "کاسی بی" مزدوران رژیم خمینی ، واقع در محور جاده بانه - سردشت را مورد حمله برق آما و دلیرانه خود قرار دادند . پیشمرگان قهرمان فدایی که تنها ۷۰ متری پایگاه مزدوران پیشروی کرده بودند ، به مدت ۲۰ دقیقه با سلاحهای آر پی جی ۷ و سمک خود

پایگاه "کاسی بی" را زیر آتش گرفتند . مزدوران رژیم که غافلگیر شده بودند ، مدتها توانایی عکس العمل و مقابله را از دست دادند . پس از انجام موفقیت آمیز عملیات ، پیشمرگان همگی به سلامت عقب نشینی نموده و منطقه عملیاتی را ترک کردند . قابل ذکر است که از تلفات دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست .

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد در راه آزادی و خود مختاری
سرتکون یاه رژیم خمینی
بر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - پیرو برنامه
(هویت) کمیته کردستان ۲۷ بهمن ۱۳۶۴

بمناسبت ۲۳ بهمن سالروز شهادت اتن از پیشمرگان رزمنده فدایی

پایگاه "جروشی" مورد حمله قهرمانانه پیشمرگان فدایی - پیرو برنامه (هویت) قرار گرفت

هم میهمان مبارز
خلق قهرمان کرد

پیشمرگان دلیر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) که در تاریخ ۲۳ بهمن و به مناسبت سالروز حماسه سیاهکل ، پایگاه "کاسی بی" را مورد حمله دلیرانه خود قرار داده بودند ، در ادامه حرکت خود در منطقه بانه در تاریخ ۲۳ بهمن به مناسبت این روز که سالروز شهادت ۱۱ تن از پیشمرگان رزمنده فدایی از جمله رفیق سعود رحمتی یکی از فرماندهان برجسته شاخه کردستان ، در سال ۱۳۶۱ است ، بر طبق یک طرح دقیق عملیاتی در ساعت ۵ / ۶ بعد از ظهر پایگاه مزدوران رژیم خمینی واقع در تپه‌های رویشای "جروشی" در منطقه بانه را به مدت ۲۰ دقیقه مورد حمله قهرمانانه خود قرار دادند . ضلک بی در پی موشک آر پی جی ۷ و آتش سی اسان پیشمرگان ، مزدوران مستقر در پایگاه را به وحشت انداخته ، بطوری که مرتباً از پایگاههای اطراف درخواست کوبیدن محل استقرار پیشمرگان را

در پی کوبیده . بدینال این درخواستها پایگاه "نازبان" نیروهای رژیم و واحدهای سنگین محل استقرار پیشمرگان فدایی را به پایگاه قرار می‌کوبیدند . در این عملیات شجاعانه هر چند که بخشی از تاسیسات و سگهای مزدوران پایگاه "جروشی" تخریب گردید ، اما از آثار دقیق تلفات دشمن خبری در دست نیست . پیشمرگان رزمنده فدایی پس از انجام عملیات جنگی به سلامت در میان اشغال گرم روستایان منطقه عملیاتی را ترک گفتند .

هر چه گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرتکونی رژیم خمینی
پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خود مختاری
سرتکون یاه رژیم ضد خلقی خمینی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه
(هویت) کمیته کردستان ۲۸ ، ۱۱ ۱۳۶۴

ما جراحیوبی ...

نقشه از صفحه ۱

پیشروی نیروهای نظامی رژیم بسمت بصره نمی‌دیند با توجه به مخالفت وسیع دولتهای منطقه و دولتهای بزرگ با اشغال خاک عراق بوسیله رژیم ارتجاعی خمینی ، مسلم است که سرنوشت نیروهای جنگی رژیم در "قار" برای خمینی بسیار کم انگیز خواهد بود خمینی با تکیه بر سیاست توسعه طلبانه پاناسلامیسم تاکنون صدها هزار نفر از مردم ایران را کوشش دم توپ سیاستهای ارتجاعی و جنگه افروزان خود قرار داده است . در همین عملیات والفجر ۸ ، که رژیم توانسته بود حدود صد هزار نفر را برای حملات سازمان دهد ، تاکنون بر اساس بسیاری از گزارشات بیش از نیمی از آنان کشته ، زخمی و اسیر شده‌اند . و مسلماً بهمانگونه که در جزایر مجنون رژیم نتوانست به پیروزی چشمگیر نظامی دست یابد در قار نیز نخواهد توانست به پیروزی نظامی دست یابد . زیرا نیروهای نظامی رژیم خمینی بقتابه نیروهای اشتغالگر و منحرف نمی‌توانند در یک نقطه ، آنهم منطقه‌ای مثل "قار" که کار تدارک نیرو و امکانات را با مشکلات بسیار روبرو می‌کند ، در موضع دفاع قرار گیرند . گر چه موقعیت جوی و زمین اکنون به نفع خمینی است ، ولی با گذشت مدتی کوتاه این مساله به ضد خود تبدیل شده و نیروهای جنگ افروز خمینی مجبور به تحمل عوارض بسیار سنگینی خواهند بود برای رژیم خمینی پیشروی نظامی چیزی کمتر از اشغال بصره نخواهد بود که این مساله نیز با توجه به اوضاع منطقه و بین المللی ، بسیار بعید خواهد بود بنا بر این شکست رژیم در این عملیات نیز غیرممکن اشغال بخشی از خاک عراق محرز است . این مساله جنگ افروزان رژیم مستقیماً لطعات بسیاری به مردم ایران وارد کرده است . اکنون مردم ایران در آنگار سال بو - در تمام شهرها با موجی از کشته‌های جنگی روبرو هستند . عیدی خمینی برای سال جدید به مردم ایران ، رخ و نم ، کشته و فقر و بی‌خانمانی است . در عویش مردم ایران بهمانگونه که تا کنون نشان داده‌اند ، دست رد بر این سیاست ارتجاعی خواهند زد و با اشغال مختلف مبارزه برای صلح را گسترش خواهند داد .

سرنوشت ...

نقشه از صفحه ۲

می‌شد که عراق نیرو تعویض کرده و حمله خواهد کرد . اگر عراق حمله می‌کرد به راحتی می‌توانست منطقه را بگیرد . اینرا هم بگویم که حبیب فرمانده مان خودش در پشت جبهه بود ، خلاصه ما به او بی‌سیم زدیم و خواستار نیرو عظیم ، آنها بیاسی با رمز جواب دادند که وقتی آنها خوانعیم نوشته بود نیرو آماده است و هر موقع لازم بود اعزام می‌کنیم .

و افراد تدارکاتی بوده‌اند ، که آنها را مسلح کرده بودند و گفته بودند برای جلوگیری از حمله غافلگیرانه عراق باید به جبهه برویم . افراد بزمور همگی دارای سن هایی بیش از ۵۰ سال بودند . یک شب بعد هضم فرمانده (حبیب) گروهان ما خبر داد که بار هضم نیروی کمکی برای شما فرستاده می‌شود . مسا در آن جبهه‌ای که گسر کرده بودیم ، حداقل از این بااست ، خوشحال عظیم، آنها ۲۱ دانشجو و محصل هستند که همگی اهل کوه‌دشت لرستان بودند و آنها را جمع کرده بودند و برای تعطیلات عمد به جبهه فرستاده بودند .

شب وقتی دو نفر راهنما برای آوردن آنها به جبهه حرکت می‌کنند بعلمت اینکه راه را خوب نمدانست و هوا کاملاً تاریک بود ، همگی آنها را روی منطقه سن گذاری شده می‌برد و همگی آنها بحر دو نفر راهنما کشته می‌شوند . ما در حالی که در خط مقدم جبهه انتظار آنان را می‌کشیم ، دیدیم تنها دو نفر را راهنما با ناراحتی آمدند و خبر کشته شدن ۲۱ نفر را دادند . همان شب ۲ نفر و متعلقه خود من ما سوار شدم که کشته‌ها را جمع کرده و در یک گونی بگذاریم نقشه در صفحه ۲

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خود مختاری

مطبوعات خارجی

منافع پنهان

منبع: هفته نامه "عصر جدید" چاپ شوروی

تاریخ: ۱۴ اکتبر ۱۹۸۵

نویسنده: دیمتری ولسکی

بعضی ناظران، از جنگ ایران و عراق بعنوان بزرگ‌ترین جنگ عجیب نام می‌برند. آیا عجیب بنظر نمی‌رسد که دو کشور در حال توسعه در طی پنج سال مشغول جنگ باشند؟ وقتی در سپتامبر ۱۹۸۰ جنگ شروع شد، افراد کمی خیال می‌کردند که این جنگ چند هفته یا چند ماه طول می‌کشد، تا چه رسد به چندین سال! مسائل مشترک بین دو کشور درگیر بیشتر از اختلافات آنها بود. هر دو کشور عضو جنبش غیر متعهدها، کنفرانس اسلامی و گروه کشورهای ۷۷ می‌باشند. هر دو عضو اوپک هستند و نفت قسمت اعظم ثروت آنها را تشکیل می‌دهد، در هر دو کشور (اگر چه در مقاطع مختلف تاریخی) رژیمهای سلطنتی متمایل به غرب سرنگون شده‌اند. چه کسی می‌توانست تصور کند که دو حکومت با این نزدیکیها، و نه فقط نزدیکی جغرافیایی، درگیر مبارزه‌ای تا مرگ می‌شوند؟ زیرا این جنگ موجب مرگ هزاران سرباز و شبه نظامی در جبهه‌ها و افراد غیر نظامی در پی حملات هوایی به شهرها شده است. وزیر امور خارجه کویت هیچ بزرگ‌نمایی نکرد، وقتی در سپتامبر، در نشست با دیگر وزیران کشورهای خلیج فارس گفت: "اوضاع منطقه مرکز نا به این حد انفجاری نبوده است."

اما بنظر می‌رسد که این جنگ خطرناک‌تر از آنست که موجب تعجب بعضی تحلیلگران و سیاستمداران غربی نیست. آیا آنها صادقانه از دیدن عکس جسد‌های نیمه دفن شده، کشتی‌های در حال سوختن و مساجد نابود شده، اظهار تعجب و شک و تردید نمی‌نمایند؟ باور داشتن به صداقت "برزیل‌سکی" مشاور امنیت ملی آمریکا (در مقطع شروع جنگ) بسیار مشکل است. وی در حال حاضر، اظهار کرده است که از طولانی شدن جنگ بین ایران و عراق بسیار نگران است؟! پنج سال پیش، وی، اخباری را که در مطبوعات خاور نزدیک نمایان می‌شدند و به استناد آنها (برزیل‌سکی) در بخش اطلاعات و خبرهای دروغ‌گونه موجب اختلافات شدید طرفین درگیر شدند، به هیچ وجه تکذیب نکرد. کسانی که کمک به پدید آمدن جنگ کردند، از تضادها و اختلافاتی که شاید، اگر بطور عمده آنها را دوباره شلوار شلوار نمی‌ساختند، کم‌کم از بین رفته بودند. مشخصا مربوط به قسمتی از اراضی کنار شبه‌العرب می‌شود. چند سال قبل از جنگ فرصتی دست داد تا با کشتی سفری از این رودخانه داشته باشم، دربانوران در آنجا به هیچ وجه بطور دقیق نمی‌دانستند که مرز ایران در کجا تمام می‌شود و با قلمرو عراق از کجا شروع می‌شود. بدون شل این اختلاف می‌توانست با حسن نیت بین دو کشور حل شود. در هر صورت دلیلی وجود نداشت که باعث بوجود

آمدن جنگی بهرمانه و طولانی شود. گو اینکه دلایل دیگری نیز در آن وجود دارند، مانند اختلاف تاریخی عربها و فارسها، اختلاف مذهبی بین مسلمانان سنی و شیعه. اگر چه، خلق عسرب خوزستان، که اول از همه در نبرد موفق به آزادسازی زمینهای اشغال شده شد، اظهار روشنی از مخالفت خود با دولت نکرد. (با توجه به عرب بودن اختلافات تاریخی بین اعراب و فارسها) و از طرف دیگر، امیدهای طرفداران ایرانی "انقلاب اسلامی" مبنی بر اینکه سربازان شیعه مذهب ارتش عراق که بسیار می‌باشند، به نیروهای ایران بپیوندند نیز به سیاسی تبدیل گشت. این محاسبات فریبنده به تبلیغات مطبوعات غرب قدرت می‌بخشد. در اوایل جنگ آنها با گوته و گنایه می‌نوشتند، که بعزت وجود ملیتهای مختلف در ایران، وقتی عراقیها از مرزها بگذرند، ایران تجزیه خواهد شد. بعدا وقتی این اتفاق روی داد، شروع کردند به تبلیغ پیرامون "حمله نهایی" ایران، نه فقط به عراق بلکه به تمام کشورهای عرب خلیج فارس. اواسط سال ۱۹۸۴ وقتی این شایعات پخش شدند، روزنامه "نایمز" گزارشی منتشر کرد، مبنی بر اینکه، مرکز تمام این خبرها و شایعات واشنگتن بوده است. زیرا با این کار می‌خواستند وضعیت منطقه را گرم نگاهدارند. ولی در آنجا کشورهای منطقه کور نیستند!

روزنامه کویتی "الوطن" در ۲۳ اگوست گذشته نوشت: "واشنگتن رسماً اعلام کرده است، در جنگ بین ایران و عراق بیطرف می‌باشد، اما عملکرد آن نشان می‌دهد که واشنگتن از طریق متحدان و ماموران کوشش برای ریختن نفت بر روی آتش این جنگ خونین و هر چه بیشتر شعله ور ساختن آن می‌کند تا بتواند این طریق منافع خودش را تامین نماید." این مسأله گداهها هستند؟ این درگیری موجب تضعیف هر دو کشور غیر متعهد و اسلامی می‌شود. در کشوری که ایالات متحده آنها را جزو دشمنان قدرتمند خود محسوب می‌کند. اگر بخاطر جنگ نبود، اشتراک منافع و اهداف می‌توانست آنها را به کارهای مشترکی رهنمود سازد و با توجه به پتانسیل قدرتمند امپریالیستی که در دو ملت وجود دارد، می‌توانست باعث تغییر وضعیت سیاسی خاورمیانه و نزدیک شدن گردد. مسلمانان به سود منافع آمریکا! در حال حاضر چه مشاهده می‌کنیم؟ ایران و عراق در جنگی درگیر شده‌اند ولی پی‌آمد آن شکاف در تمام دنیای عرب و مسلمان بود، بعضی از کشورها از بغداد پشیمان می‌گردند و عده‌ای نیز از تهران، و بطور مشخصی در تقسیم (انشعاب) جنبش فلسطین موثر واقع شده، و موجب آن گشت که قدرت خلفها در برابر امپریالیسم تضعیف گردد، و این به آمریکا امکان داد تا بتواند حضور نظامی خویش را در منطقه قدرت ببخشد. بالاخره (آمریکا) بهانه‌ای را که میل داشت، بدست آورد، "خطر" غیر قابل مهار شدن "جنگ ایران و عراق" و با چنین بهانه‌ها واشنگتن پایگاههایش را در بحرین و عمان مدرنتر ساخت، در عربستان سعودی هواپیماهای جاسوسی "آواکس" را بکار انداخت،

ناوگان هفتم در اقیانوس آرام و ششم در دریای مدیترانه را به منطقه خلیج فارس روانه ساخت و بین آنها ناوهای هواپیمایی با تجهیزات اتمی، و بقول بیلک مقام بلند پایه نظامی غرب "هر هواپیمای ایرانی یا عراقی که در جنوب خطی که از شهر سوئسگورد ایران می‌گذرد، ظاهر شود فوراً خیرش به مقاصد نظامی آمریکا می‌رسد" در این بین نیز ستاد مرکزی ایالات متحده آمریکا تشکیل شد که حوزه عملیات آن از اتیوپی تا پاکستان است، و وجود نیروهای واکنش سریع که رقم آن در حدود ۳۰۰ هزار نفر می‌باشد. به این طریق جنگ ایران و عراق نه فقط به واشنگتن اجازه داد تا منطقه خاورمیانه را زیر کنترل خود بگیرد، بلکه به او بهانه‌ای نیز داد تا تمام کشورهای منطقه را در تیررس، حتی اتمی، خویش نگاهدارد. ابعاد تهاجمی حضور نظامی آمریکا در منطقه نشاندهنده این است که واشنگتن فقط در فکر این نیست تا بعنوان بیطرف، ناظر بر این محاصره باشد، بلکه منتظر فرصت است تا به یک تهاجم دست بزند. برای چه؟ جواب اینست، برای حفظ نفوذ خویش بر نفت خلیج فارس. هدفی که همیشه موجب نگرانی امپریالیستها بوده است. ولی در اینجا مسائلی بسیار وجود دارد. از آن جمله اینکه، مکانیسمی که انحصارات غربی برای استثمار کشورهای در حال توسعه بکار گرفته‌اند، طوری دقیق ترسیم شده است که دیگر لزوم کنترل مستقیم جاهای نفت از طرف آنها وجود ندارد. مسئله دیگر این که، نفت خلیج فارس بیش از اینکه به مقصد ایالات متحده برود، سوی ژاپن و اروپای غربی روانه می‌گردد، که منافع اقتصادی آنها از نظر واشنگتن دست نزدنی هستند. چیزی که روشن است، این است که تهدید اشغال جاهای نفت هنوز در استراتژی ایالات متحده در مورد خاورمیانه جای مهمی را اشغال میکند. اما هدف واشنگتن که از طرق مختلف مشغول شلوار ساختن هر چه بیشتر آتش جنگ بین ایران و عراق است، بسیار وسیعتر و خطرناکتر است. روزنامه "تولسی" حکایت صحیح می‌گوید، وقتی می‌نویسد: "جنگی پایان ایران و عراق با تمام مشخصات عبت و بهیچوجه و خونینش، در جهت منافع قدرتهای غربی است و در راس همه به نفع واشنگتن"، زیرا دخالت و کارشنی-های وی (آمریکا) را در افغانستان، تیکاراگوئه، لبنان و ۱۰۰۰۰ آسان خواهد نمود و بیش از همه در لبنان "امکانات طرفین درگیر را در مبارزه بر علیه عملیات تهاجمی آمریکا بر ضد خلقهای لبنان و فلسطین محدود می‌کند."

در جنگ خلیج بازرگر دیگری نیز وجود دارد که در حال حاضر خودش را پنهان نموده، اما به صحنه اصلی بسیار نزدیک است. فرژوش ۱۹۸۴ رئیس دولت وقت اسرائیل، "اسحاق شامیر" که در حال حاضر وزیر امور خارجه است، اعلام کرد: "به دوستانمان (آمریکائیکها) توصیه می‌کنیم که به این دو کشور اجازه دهند که همدیگر را از بین ببرند." این اولین نقشی بود که (اسرائیل) بازی کرد و در دومین نقش هواپیماهای جاسوسی "آواکس" را بکار انداخت،

بقیه در صفحه ۸

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده‌ای شکست ناپذیر است

در زندانهای...

نحوه دستگیری :

بقیه از صفحه ۱۰

من همراه سه نفر از همکلاسها را در آخرین جلسه امتحانات سال ۱۳۶۱ از طرف آموزش و پرورش بوکان خواستند ، بعد از اتمام جلسه امتحان ، توسط یکی از جاسوسهای امور تربیتی به آموزش و پرورش برده شوم . در آزمون رئیس آموزش و پرورش فردی بود به نام " شریفپور " . بعد از چند ساعتی شریفپور را دیدیم و اساس ما را پرسید ، سپس گفت که چند دقیقه ای منتظر من بمانید تا میروم و زود بر می گردم هنوز چند دقیقه ای از رفتن او نگذشته بود یک لشمروور که سرنشینان آن به نفر امور تربیتی بودند وارد حیاط آموزش و پرورش شدند و ما را در لندروور انداختند و تحویل اطلاعات سپاه پاسداران بوکان دادند . حال به اوضاع داخل زندان اطلاعات بوکان از اولین

لحظه دستگیری متهمین می برداریم:

اولین لحظه ای که یک نفر وارد زندان اطلاعات می شود با فحش و ناسزا و بیشتر اوقات با ضرب و شتمی که از طرف مسئولین صورت می گرفت مواجهه میشود وقتی او را به داخل ساختمان می آورند ، تعدادی دی سوالات کلی از وی می کنند و چندین پاسدار و بازجو دور و برش را می گیرند و برای فشار آوردن به متهم هر یک سوالی مطرح می کنند .

مسئولین آزمون اطلاعات بوکان افرادی بودند به نامهای دانه ، مسگری و رضا . خلاصه بعد از این مراحل اگر دستگیر شدگان از یک نفر بیشتر باشند سعی می کنند آنها را از هم جدا کنند . هر یک از آنها را به یکی از سلولها که تعدادشان ۱۰ عدد بود می برند . (پنج تا سلول از آنها ۵ وجیب در ۱۰ وجیب و پنج تای دیگر ۲ وجیب در ۱۰ وجیب بودند) . در هر یک از این سلولها حداکثر ۲ نفر و معمولاً ۲ نفر قرار می دهند . بعد از چند روزی یک نفر که ظاهراً معلوم است چه مسئولیتی دارد به سراغ زندانی می آید و مشخصات کلی وی را در پوشه ای یادداشت می کند و این اولین بازجویی است که از متهم صورت می گیرد . در این مرحله چون سوالات مشخص مطرح نمی کند برخوردشان عمادی می باشد جز سواردی که به هويت سياسي زندانی آگاهی کامل دارند و می دانند که چکاره بوده است .

شیوه بازجویی:

معمولاً بازجوییها را چند روز بعد از دستگیری شروع می کنند به این ترتیب که شب بین ساعت ۱۰ تا ۲ سپیده دم زندانی را چشم بسته به اتاق بازجویی می برند . برای ترساندن وی چندین بار مثلاً از پله های بالا و پایین و به جیب و راست می برند . در اتقاق بازجویی گاهی اوقات چشم زندانی را باز می کنند ولی بعد ها دیگر استنشاق چشم بند را باز می کردند . شیوه سوالات به این ترتیب است که بازجو خودش سوالات را در ورقه ای می نویسد و سپس جوابهای متهم را در زیرش درج می کند . مواردی بود بازجو اصل جوابهای متهم را ننوشته و یا طوری می نوشت که مثلاً از زبان متهم اقرار گرفته است . اگر کسی در بازجویی حاضر به اعتراف باشد فشار زیادی به وی وارد نمی کنند و سعی می کنند که با زبان خوش از متهم اقرار بگیرند . اما اگر اعترافات زندانی

بر خلاف گزارشهایی باشد که در مورد وی نوشته شده نخست وی را به شلاق زدن و ادیت تهدید می کنند و اگر زندانی حاضر به اعتراف نشد ، وی را به اتاق کوچکی که در آن یک صندلی و انواع شمارهای کوچک و بزرگ کابل و یک ضبط صوت وجود دارد می برند . پای متهم را به صندلی می بندند و یک نفر روی شکم با دهان او می نشیند و با پارچه ای در دهان وی قرار می دهند و می گویند هر وقت حاضر شدی راست بگویی شکمت را تکان بده و به این صورت متهم را زیر ضربات کابل قرار می دهند و تا جایی که حالت بیهوشی پیدا می کند ، می زنند تا اندازه ای که خون از کف یا بیرون می آید و فرد بیهوش می شود . شکنجه گر که معمولاً همان بازجو است برای اینکه بداند زندانی براتسی بیهوش شده یا کلک می زند ، سوزن نوک تیزی را چندین بار در بازوی زندانی فرو می برند و اگر عطش شد مقداری آب بر سر و صورت او می پاشد و سپس توسط زندانبان متهم را به سلول دیگری می برند و به جای اولیه اش باز نمی گردانند تا افرادی که با او در یک سلول بوده اند از اوضاع وی مطلع نشوند . اگر فرد از ترس شلاق حاضر به اعتراف شود دیگر برای دومین بار زیر شکنجه قرار نخواهد گرفت اما اگر چیزی که آنها می خواهند نگوید گاهی تا ۱۰ بار زیر شکنجه وضع وی را شکنجه می کنند . موقع شکنجه خم برای ادیت کردن اعصاب زندانی و هم برای اینکه بقیه زندانبانها از عداوتی که با او دارند آگاه می شود . هر یک از زندانبانها با یک شمشیر آهنی که در دست دارند و با آن می زنند و با شمشیر می زنند و با شمشیر می زنند و با شمشیر می زنند .

انواع شکنجه ها منظور اعم در بازداشتگاهها:

الف - شکنجه جسمی :
مذاولترین نوع شکنجه در هر زندان و بازداشتگاهی همان شلاق زدن به کف پا و پشت و باسن می باشد . این نوع شکنجه در اعصاب و کلیه ها تاثیر می کند و بیشتر اوقات باعث خونریزی های موضعی می شود و جای ضرب آن گاها تا ۶ ماه باقی می ماند و جای ضرب شلاق کاملاً سیاه می شود . در سال ۶۲ این نوع شکنجه به آخرین درجه رسیده بود و کسی که زیر ضرب شلاق قرار می گرفت تا بیهوش نمی شد همچنان زیر ضرب تکرار می گرفت . در زندان بوکان دو نفر زیر شلاق شهید شدند که رژیم هنوز هم اقرار به این جنایت نکرده است و ادعا دارد که این افراد خود مرده اند . شیوه های دیگر شکنجه در زندان بوکان گذاشتن قالبهای سزرنگ بیخ بر روی پشت و سینه و لخت کردن و با شمشیر کابل زدن و نگاه داشتن زندانبان در شبهای سرد زمستان تا پای لخت در برف و دست بند زدن از پشت بود .

ب - شکنجه های روحی :

این نوع شکنجه تقریباً در زندانهای رژیم حالت یکسانی دارد ، بازجو و شکنجه گر قبل از بازجویی سعی می کنند روحیه زندانی را با حرفهایی مانند : " زلفت همه چیز را گفته " ، " اگر اعتراف نکنی اعدام خواهی شد " ، ولی اگر اعتراف کنی آزاد می شوی " و " ما همه چیز را می دانیم فقط میخواهیم از زمان خودت بشنوم " ، " تا دو سال دیگر هم اعتراف نکنی همیشه خواهی ماند " ، " پدر و مادرت هم دستگیر شده اند ، ما دستگیر خواهیم شد " تضعیف

می کردند و با در سلولهای تنگ ۲ نفر را قرار میدادند و چون سلول تنگ بود و زندانبانها نمی توانستند بخوابند اعضاها بکلی خرد می شد و یا یک یا دو نفر را بر سلول می کردند و داخل سلول آب می ریختند و مانع از خوابیدن زندانبانها می شدند . به این صورت بعد از چندین روز و با چندین ماه به بازجویی های مکرر فرا خوانده میشدند تا از روحیه ضعیف آنها استفاده کنند . نوع دیگر شکنجه روحی این بود که هنگام اعدام محکومین ، چندین نفر از کسانی که میخواهند از آنها اعتراف بگیرند به میدان تیر می بردند و آنها را تهدید به اعدام می کردند . شکنجه گران معروف زندان بوکان به ترتیب درجه عبارت بودند از :

- ۱ - ملا محمدی ، این شخص بازجو نیز بود و کوچک ترین ترس روحی به هیچکس نمی کرد . در نفی که زیر شکنجه شهید شدند توسط همین شکنجه گر بود . هم اکنون وی در بوکان سرپرست بنیاد شهید می باشد . اغلب مردم بوکان و تمامی خانواده های زندانبانان این جلاذ را می شناسند .
- ۲ - مردی بنام چنگیز که کارش شکنجه بود .
- ۳ - منصور ، این شخص نیز کارش دستگیر کردن و شکنجه بود . ۲۰ - هادی ، این فرد قبلاً در زندان این بازجو بود و سپس به بوکان آورده شد . بدترین فشار روحی توسط این شخص به زندانبان وارد می شد که بعداً در مورد آن صحبت خواهم کرد ادامه دارد .

شهادت فدائی ...

بقیه از صفحه ۱۰

- اکبر صفائی - فراهانی - جلیل انفرادی - احمد نرهودی
اسکندر رحیمی - مرچی - هادی فاضلی - اسماعیل
معبی عراقی - شعاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا
شکروبی - عباس دانش سپهری - محمد علی محسن
تندجی - غفور حسینور اصل - هوشنگ نیری - ناصر
سید دلیل صفائی
- ۱۳۵۰ - رفقا : سعید احمد زاده - عباس مفتاحی
اسدالله مفتاحی - مجید احمدزاده - قلاش کلسوی
حمید توکلی - بهمن ازنگه - مهدی سوادانی - سعید -
الکریم حاجیان - سعید آرمان - مناف فلکی - علیرضا
نابدل - محسن امین - جعفر اردبیلی - محمد علی
تقی زاده - اصغر عرب هرسی - اکبر موبد - علی تقی
آرش - حسن سرکاری
- ۱۳۵۲ - رفیق محبتی خرم آبادی
- ۱۳۵۵ - رفقا : صبا بیژن زاده - بهنام امیریهوان
عبدالرضا کلانتر نستانکی
- ۱۳۶۰ - رفقا : عبدالرحیم صوری - علی اصغر زنده
نظام - محمد رضا بهگش - حمید آزادی - جعفر پنجه
شاهی - جواد غفوربان - احمد ملانبان لنگرودی
شمس ستاری - منصور سمعی - امین طاهرخو - بهاء
الدین نگهباری - خسرو نرهدانی - عباس - امیر
رفیق ناصر نجم الدینی

فاجعه چهار بهمن ...

بقیه از صفحه ۱۰
کارگر "ی" در فعال موضع ما ، متوسلی جهت گیری آناترا
برای بافشاری روی موضع انحرافی کل جریان افلیست
شان میدهد . طبعاً ما نه در گذشته و نه در حال آینده
نسبت به انحرافات سگنارمستی که توکل یکی از بر
جسته ترین نمایندگان آن بود ، سکوت نخواهم کرد و
هوی مخالفین توکل ، ما را از این راه باز نخواهد داشت .

منافع...

بقیه از صفحه ۶

شامیر اضافه می‌کند: "توجه ما عمیقاً معطوف به تحولات مسائل (جنگ) می‌باشد، که اگر لازم شود در آن مداخله کنیم." خیلی مشکل بنظر می‌رسد که اسرائیل با توجه به شکافی که در پی جنگ خلیج بوجود آمده و فرصت خوبی به او داده، در برابر رویی‌ای وسعت بخشیدن خویش به طرف شرق مقاومت نشان دهد. فراموش نکنیم شعار رسمی صهیونیسم را "از نیل تا فرات"، و شعار کمتر رسمی ولی عملی، بوجود آوردن جوی برای نفوذ، از اسرائیل تا مرزهای پاکستان، همانطور که نقشه‌اش را ژنرال شارون کمی بعد از شروع جنگ وقتی وزیر دفاع بود، ریخته بود، وی در حال حاضر عضو کابینه می‌باشد. همانطور که "شامیر" نیز عضو آنست. آیا فرصت آن رسیده است که تل‌آویو ترغیب شود از طرف واشنگتن، رویاهای امپراطوری‌اش را عملاً واقعیت ببخشد؟

در شرق منطقه جنگ، منافع دیگر مشتری، واشنگتن شروع می‌شود، رژیم نظامی پاکستان، اما ژنرال ضیا الحق مانند دولتمردان اسرائیلی صریح صحبت نمی‌کند. اسلام آباد، در جنگ خلیج ترجیح می‌دهد بدون سر و صدا عمل نماید. با توجه به اینکه به قدر کافی در جنگ اعلام نشده علیه افغانستان و نمویا حمایت از تروریستهای مناطق شمال شرقی هند دارای مشغولیت می‌باشد. مع‌الوصف، با تقویت زمانی کمی از واشنگتن، پاکستان نیز "نیروهای واکنش سریع" خویش را تشکیل داده، تا در صورت وضعیت اضطراری آنها را به خلیج فارس روانه سازد. آیا منتظر خواهد ماند؟ "نیویورک تایمز" در روزشن ۱۹۸۴ اعلام کرد که پاکستان خیلی وقت است که به ارتش عربستان سعودی کمک‌های انسانی می‌نماید، البته به همان بیانه همبستگی، جنگ خلیج فارس، واشنگتن و مشتریان کوشش می‌کنند تا مخاصمانی زنجیره‌ای در مناطق همسایه بوجود بیاورند، جاهایی که امپریالیستها بطور مستقیم دخالت می‌کنند. فقط کافی است نظری به نقشه بیان‌داریم تا متوجه شویم که تمام این مناطق تحریک شده و در محاصره دارای مرز با اتحاد شوروی می‌باشند. این چیزی است که ایالات متحده را تحریک می‌کند تا فشار و تشنج را در تمام فضای مدیترانه و اقیانوس هند حفظ نماید، منطقه بسیار وسیعی که بعد از اروپا و خاور دور، در جنگ جهانی آینده، در آن پنتاگون مانند سوسن "محسه عملیات" نقش ایفا می‌کند. نقشه استراتژیک "پینچر" ترسیم شده در دوران "ترومن" نیز مشخص می‌کند، "بیشترین احتمال موفقیت، در عملیات پایه‌ای از مدیترانه با پیشروی بعدی به سوی بالکان با خاور نزدیک و احتمالاً همراه عملیاتی از خلیج فارس با هدف اشغال منطقه داردانل در دریای سیاه وجود دارد." از آن دوران (دوران ترومن) تا به حال به اندازه کافی "احتمالات موفقیت" از بین رفته‌اند اما جنگ بی‌معنی خلیج موجب تنگی برای ماهاهای خطرناک سیاستمداران ماجراجو شده است. این سیاستمداران معتقدند که جنگ خلیج موجب بوجست و آمدن یک واکنش همگانی خواهد شد، که البته تحت کنترل واشنگتن خواهد بود. این تهدیدی است برای تمام خلفهای خاورمیانه، برای استقلال ملی و بی‌وجودیت آنها. با توجه به اینکه مجله "تایمز"

گرانی و...

بقیه از صفحه ۲

اول سال جاری" شاخص عمده فروشی کالاها نسبت به دوره مشابه در سال قبل ۲/۲ درصد ترقی داشته است. روزی نامه اطلاعات نیز در ۱۹ آذر ۶۴ در گزارشی پیرامون شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری در مهرماه ۶۴ اعتراف کرده که این شاخص نسبت به ماه قبل ۲/۳ درصد افزایش داشت و نسبت به ماه مشابه در سال گذشته نیز ۴/۸ درصد ترقی کرده است."

بصارت دیگر اگر همین آمار دست و پا شکسته را هم معیار قرار دهیم، مشاهده می‌کنیم که قیمت کالاها مصرفی دائماً سیری صعودی داشته و ماه به ماه و سال به سال بر ابعاد گرانی و تورم افزوده می‌گردد. و این تازه فقط مربوط به نرخ رسمی و باصطلاح "دولتی" کالاهاست و نمیتوان آنرا به عنوان معیار واقعی سنجید، زیرا بر همگان آشکار است که کالاها مصرفی نه با این نرخ بلکه به بهایی چند برابر و باصطلاح با نرخ "آزاد" بدست می‌رسد و در نتیجه باید به ارقام فوق‌دها در صد ترقی واقعی قیمت را افزود تا تصویر حقیقی بدست آید.

این گرانی و تورم روز افزون در شرایطی صورت می‌گیرد که حقوق کارگران و کارکنان زحمتکش کارخانجات و ادارات و درآمد دهقانان محروم و کشاورزان خوار در طول چند سال گذشته نه تنها افزایش نیافته، بلکه به افزایش مالیات و انواع اخادی های مختلف کاهش نیز مبتلا شده.

از قول نیکون رئیس جمهور سابق آمریکا نوشت، که واشنگتن دو فرصت را بطور جدی، مناسب برای امکان بکارگیری سلاح اتمی علیه کشورهای عرب محسوب نمود. ایران نیز هدف احتمالی اتمی می‌باشد، در مطبوعات آمریکا چندین بار در مورد این مسئله (بکارگیری سلاح اتمی) افشاگری شده است. ژنرال راجرز فرمانده عالی ناتو قبل از شروع جنگ ایران و عراق پیش بینی می‌کرد که، "جنگ جهانی، احتمالاً از خاور نزدیک، خلیج فارس و اقیانوس هند شروع می‌شود."

به این دلایل نیروهای صلح طلب کوشش می‌کنند تا شعله‌های جنگ خلیج فارس را خاموش سازند. گفتن اینکه هدف آنها بهبود می‌باشد، در موقعیتی که عراق آمادگی خویش را برای خاتمه جنگ نشان داده است، غیر عادلانه است. میل داریم که رهبران تهران نیز با آخرین قادر به درک این ضرورت بشوند. در جایی که واشنگتن و متحدانش الان درک کرده‌اند که این واقع در خاورمیانه، همانهایی نیستند که استراتژیهای غربی سناریویس را تهیه کرده بودند. تشنجی که آنها بوجود آورده‌اند دارای دو رو (طرف) می‌باشد. طرفی که به اتحاد شوروی مربوط می‌شود، فعالیت شوروی در میانگیری برای پایان جنگو تشنج است. و این سیاست غیر قابل تغییر است. جنگ خلیج فارس هر چه زودتر باید تمام شود. این موضوع ناشی از منافع ملی اتحاد شوروی بطور اخص و صلح جهانی بطور اعم است.

زیرنویس: (۱) - همان گرم نگهداشتن "تورجنگ" (مترجم)

بصارت دیگر در حالیکه قیمت مواد خوراکی - هزینه مسکن، بهداشت، آموزش و پوشاک و... روز بروز افزایش یافته و می‌باید، در آمد و حق - بوق زحمتکشان کاهش یافته است. نتیجه این وضع - همه معلوم است: فقر و فلاکت روز افزون. اما این تنها یک روی سکه است. روی دیگر سکه آنستکه به قیمت همین فقر و فلاکت، افسار مرده جامعه و بخصوص بورژوازی دلال روز بروز ثروتمندتر شده و می‌شوند و شکاف طبقاتی موجود در جامعه، ماه به ماه عمیقتر و گسترده‌تر می‌گردد.

از یک طرف روز بروز بر تعداد بیکاران و ورشکستگان و غزاریان از روستا و آلودگی تشیلها افزوده می‌شود و از سوی دیگر حساب بانکی بورژوازی دلال و وابسته و اعوان و انصار حکومت خمینی فریبتر می‌شود. از نشانه‌های بروز یک بحران انقلابی همه جانبه، همین تعمیق شکاف طبقاتی در جامعه است. و هر چه شکاف عمیقتر و وسیع‌تر گردد، بحران فراگیرتر و نتایج آن چشمگیرتر خواهد بود.

گرانی و تورم مهار شدنی نیست مگر آنکه حکومت خدمتگزار سرمایه‌داران و عاملین اصلی گرانی و تورم مهار شوند و اینان را نیز هیچ چیز مگر طناب دار ملت و خشم مقدس انقلابی قیام سلحانه توده‌های مهار نتواند کرد. باید این بساط چپاول و بیدادگری را یکسر برانداخت و بر ویرانه آن بنای اقتصادی سالم و شگوفای نهاد. سرنگون ساختن این رژیم ددمنش اولین گام در این مسیر پرشکوه است.

سرنگون باد رژیم ارتجاعی خمینی

بیش سوری قیام سلحانه توده ای

جواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

پیرو برنامه - (هویت)

نقطه جد پیدرژیم جنگ افروز خمینی

این اعلامیه در شرایطی که رژیم جنگ افروز خمینی خود را برای یک ماجراجویی نظامی دیگر (قتل از عملیات والفجر ۸) آماده می‌کرد توسط رفقای سازمان در تهران تکثیر و پخش شده است.

مقاله گسترده توده‌های خلق علیه جنگ خانمان برانداز خمینی روز بروز ابعاد گسترده‌تری می‌یابد. کارگران قهرمان ایران که بیش از هر طبقه دیگری مجبور به تحمل بار سنگین این جنگ ارتجاعی و نتایج آن هستند، در شرایطی که شلاق استبداد حاکم و خفقان سیاسی موجود امکان هر نوع مخالفت علنی و سالمت آسیر را از مردم گرفته است، با فرار از "خدمت وظیفه"، انزجار خویش را از این جنگ نمایش می‌گذارند. ابعاد این مخالفت تا به آن حد رسیده است که سردمداران باند حاکم به بازسی وسیع کارخانه‌ها و کارگاهها جهت یافتن "مشمولین غایب" رو آورده‌اند.

در روزنامه اطلاعات مورخ سه شنبه ۱۲ آذر ۶۴ خبری تحت عنوان "اخطار اداره نظام وظیفه عمومی به کارفرمایان متخلف" درج شده که بیانگر استحصال بقیه در صفحه ۹

حماسه سياهكل ...

بقیه از صفحه ۱۰

مقاومت انقلابی در برابر فیر ضد انقلابی رژیم شاه بود و این واقعیتی است که رهبران شهید سازمان مجاهدین خلق نیز در دفاعیات پر شور خود در بیدارگاه نظامی شاه بر آن تکیه نمودند .
سر انجام نیز فرهنگی که در اثر این مبارزه دوران ساز در جامعه ما و بویژه در میان نسل جوان و روشنگر خلق گردیده ، به نوبه خود ، در سرنگونی رژیم خمینی موثر خواهد افتاد .
در شانزدهمین سالگرد قیام سلخانه سياهكل ، ما ذکر نام فدائیان شهیدی که با بنانه سلسلهای خود حاکمیت سکوت را شکستند ، یاد آنها را گرامی می‌داریم :

- ۱ - علی اکبر صفایی فراهانی ۲ - جلیل انفرادی
- ۳ - شوشنگ تیری ۴ - عباس دانش بهزادی ۵ - محمد هادی فاضلی ۶ - محمد علی محدث قند چی ۷ - شجاع اله شیدی ۸ - اسمعیل معینی عراقی ۹ - رحیم صفایی ۱۰ - صادی بنده خدا لنگرودی ۱۱ - احمد فر سودی ۱۲ - مهدی اسحاقی ۱۳ - غفور حسن پور ۱۴ - سیف دلیل صفایی ۱۵ - مرتضی سن چی

به دنبال واقعه سياهكل شاهد بیدایش و اعلا م موجودیت رسمی سازمان چریکهای فدایی خلق هستیم . سازمانی که در دوران خفقان محمد رضا شاهی در کنار سازمان مجاهدین خلق ایران ، یکی از دو پایه اصلی مبارزه مسلحانه انقلابی بر علیه رژیم شاه بود .
چهره های درخشانی همچون بهروز جری ، مسعود احمد زاده و امیر پرویز بویان - فدائیان شهیدی گند خون خویش را وقفه حقانیت آرمانهای مردمی و انقلابی خود نمودند . اصالت آنها نمایندگی می‌کردند . مسافانه پس از پیروزی انقلاب شد سلطنتی ، بنا بر دلایلی که امکان ذکر آنها در اینجا نیست .
این سازمان و اصولا جریان " فدایی " دچار انتعابات گوناگون گردید . آن سازمان انقلابی و بزرگ اولیه که تکیه گاه ، منبسط کننده آمال و مبادیگاه بخشی از جوانان آگاه ، انقلابی و پر شور میهن ما بود سه گروههای مختلفی تبدیل شد که غالب آنها بسا دیدگاهها ، موضعگیریها و سیاستهای انحرافی و حتی ضد انقلابی در عمل باعث انفصال بسیاری از نیروها و عناصر کار آمد نسل جوان ما گردیدند .
مهمترین اشعاب در این سازمان با تقسیم آن سه دو بخش " اکثریت " و " اقلیت " صورت گرفت ، که هر یک از این دو ، تا به امروز با موضعگیریها و جهت گیریهای خاص خود ضربات فراوانی بر جنبش مقاومت خلق ما وارد کرده اند . " اکثریت " ، زاده حزمیه نوده ، پیش از آنکه مورد غضب رژیم خمینی قرار گیرد ، به " ابوریسیون " بپیوندد ، ستایشگر " خط امام " بود و حتی از همکاری عملی با این رژیم در سرکوب انقلاب میون دریغ نمی کرد . امروز نیز همرا ه با حزب نوده ، در ادامه همان مواضع " ضد امپریالیستی " خود به شورای ملی مقاومت و مجاهدین خلق درس مبارزه با امپریالیسم می‌دهد !

از سوی دیگر " اقلیت " ، هر روز بیش از پیش تبدیل به جریانی ضد انقلابی می‌شود . آخرین نمونه از نقش مخرب این جریان را در درگیری سلخانه درونی آن ، در اوایل بهمن ماه ، که به قتل و جرح تعدادی از اعضای آن و اسباب جدیدی در سرنگونی آن

سرنوشت ...

بقیه از صفحه ۵

تا در فرصت بعدی چند آنان را به پشت جبهه منتقل کنیم و من در حالی که اجساد را جمع میکردم ، بفکر بودم که آیا معنی تعطیلات دانشجویی و دانش آموزی اینست . تمامی وجودم را تنفر از جنگ فرا گرفته بود . بعد از این جریان تحمل ماندن همه بجها تمام شده بود . و تازه بی سیم چی ما هم رخصی شده بود . حتی فرماندهان دسته هم به همه با لاشها فحش می‌دادند . آنها می‌گفتند ما هنوز وارد جنگ نشده نار و مسار ششم . این چه وضعی است . شب بعد که فرمانسده گردان (گردان تقریبا نابود شده) به منطقه خط مقدم آمد ، همه افراد اسلحه و کوله پشتی خود را برداشته و گفتند که دیگر اینجا نخواهند ماند و می‌خواهیم به سر خانه و زندگیمان برویم . حبیب بدون اینکه جوابی بدهد ، تیر بار گیر بنوف را در مدخل راه خروجی کار گذاشت و گفت هر کس می‌خواهد برود ، بیاید و برود تا قبل از اینکه عراقیها او را بکشند . خودم او را بکشم . با این اقدام مجبور شدم در خط مقدم جبهه بمانم و به وضع بد خود فکر کنم . ما قرار بود فقط ۷ روز در خط مقدم بمانیم . اکنون بیش از ۱۵ روز در اینجا بودیم . وضع غذایی بسیار افتضاح . از نظر لباسی و نظافت آنقدر وضع ما به بود که کثافت تمام بدن ما را گرفته بود . آنتی‌بیوتیک که فرمانده گردان با استقرار کیمبروف ما را مجبور به ماندن کرد ، همگی می‌گفتند ما نمی‌توانیم و اگر عراقیها حمله کنند ، تسلیم می‌شویم . و برتت بیانه می‌گیرند . تا جایی که خود خمیس که در خط مقدم افراد را دست و فهمید که دیگر از این افراد سرنوشتی جز مرگ نمی‌بیند . ساختن نیست . سعی کرد ما را با خود ببرد . ۲۱ روز که در خط مقدم بودیم . عوض ندیم . ۷ روز قبل از خاتمه سال ۶۱ وارد خط مقدم شدیم و ۱۲ روز بعد از عید تعویض شدم . وقتی به پشت جبهه آمدم فقط ۵۰ نفر از گروهان ۳۶۰ نفری مانده مانده بودند . در حالیکه اعتقاد گمر جنگ هم نشده بودیم . تمامی این ۵۰ نفر آنچنان از جنگ سرفه بردا کرده بودند که می‌گفتند وقتی به شیر خودمان برویم با گفتن حقایق ، این جنگ یعنی را رسوا می‌کنیم . من یاد چند نفر از بجها که کشته شده بودند . مثل فرمان علی عزت پور ، عمیدی و مهدی نغمه‌ام سرودم . وقتی به پشت جبهه منتقل شدیم همگی بلافاصله تارم شهر خودمان شدیم . من پس از مدتی تصمیم گرفتم سه نیروهای مخالف رژیم بپیوندم . از این جهت به کمک بعضی از دوستان در این زمینه کوشش هایی کرده و انجام پس از مدتی توانستم به نیروهای مقاومتگر گردستان و در صفوف پیشمرگان فدایی ، برای نابودی این رژیم جنگ افروز بپیوسته و برای سرنگونی این رژیم ضد بشری مبارزه کنم . (ان)

منجر گردید ، مشاهده نمودیم ، درگیری بی کسمه شدید باعث ناسف و قابل محکوم کردن است .
سالگرد حماسه سياهكل را گرامی می‌داریم و همه خلق قهرمان ایران و بویژه به سازمان چریکهای فدایی خلق (پیرو برنامه هویت) ، متحد شورایی خود تیریک می‌گوییم امیدواریم این جریان بتواند هر چه بیشتر در ادامه خط اصیل " فدایی " گسترش یابد .

توطئه

بقیه از صفحه ۸

رژیم خمینی می‌باشد . در این خبر آمده است که اداره مربوط به کارفرمایان و صاحبان کارگاهها و موسسات خصوصی و کسمه اخطار کرده که " طرف یک هفته به اشتغال مشمولین شایب در واحدهای خود خاتمه داده و آنان را جهت روشن شدن وضع مشمولیت شاکه به اداره وظیفه عمومی معرفی کنند " و " بزودی کلیه اماکن مزبور بوسیله مامورین انتظامی بازرسی و شناسایی می‌شود و چنانچه کارفرمایی خلاف ماده ۶۲ قانون خدمت وظیفه عمومی رفتار کرده باشند ، علاوه بر محازات شرعی به تعطیل کارگاه نیز محکوم خواهد شد " .

این تهدیدهای شدید و غلیظ برای چیست ؟ مگر مدعی نیستند که جبههها از هر زمان دیگری معلوت‌تراز داوطلبان است ؟ مگر مدعی نیستند که " ملبوسها بسجی " برای عریست به جبهه این جنگ ارتجاعی روز شماری می‌کنند ؟ پس دیگر حمله به کارخانجات و کارگاهها ، حتی موسسات و ادارات و منازل برای شناسایی مشمولین قایم و اذرام اجباری آنها سه جنگ و تعطیل کارگاه و محل کسب برای چیست ؟ حقیقت . هر چند هم که زیر پردهای از تار و رسا و تبلیغات دروغین پنهان شده باشد تاقت هر سدا خواهد شد . واقعیت جامعه ما . واقعیت فرار هزاران جوان عاصی . از این جنگ ارتجاعی است . واقعیت جامعه ما . واقعیت انزجار طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان از این جنگ خانمان بر انداز ، که تنها و تنها در خدمت امپریالیستها و رژیم جنار هاگم می‌باشد . است و لربادهای دروغین مثنی مزدور که از یک سدان به میدان دیگر و از یک خیابان به خیابان دیگر می‌روند نمی‌توانند بر آن برده بوشاند .

کفایله با تهاجم جدید رژیم خمینی و تزیینت اجباری به جنگ . یکی از وظایف بر اخصیت طبقه کارگر و بهشتروان انقلابی است . باید با شعار " صلح و آزادی " به صفات این آدم رهایی و کشتار رفت و اجازه نداد که بیش از این هزاران جوان قربانی نظام استبداد خمینی گردند .

سرنگون باد رژیم ارتجاعی و جنگ افروز خمینی
زنده باد صلح و آزادی
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه - (هویت)

پاسخ به ...

بقیه از صفحه ۲

این دو طبقه متخاصم استوار باشد . ما باید با هر عاملی که مانع سازماندهی و مبارزه ما برای سوسیالیسم باشد مبارزه کنیم . شکل این مبارزه نحوه پیشبرد آن بستلرم برخوردار مشخص است .
ما ضمن تشکر از خوانندگان نبرد خلق و علاقمندان به سازمان و رفقای هواداری که برای ما نامه نوشته‌اند و سوالاتی مطرح کرده‌اند ، از همه این عزیزان می‌خواهیم تا در سورتی که این مواضع کلیدی بسرا ی آنها روشن نیست باز هم برای ما نامه بنویسند .
طبعاً منظور ما این نیست که آیا استدلال ما مورد قبول آنان قرار گرفته . ما نه امری که چه بسا و بغل مختلف از تواناش ما و ما نویسندگان نامه‌ها خارج باشد بلکه منظور ما روشن بودن سواضع است .

شهدای فدائی
همین در
سپند

برای فتح قله‌های
جسارت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به بربری؛
یامرگ یاسروری.

- الف - بهمن ماه
- ۱۳۵۲ - رفقا: ابراهیم بیور رضا خلیق - سعید بابیان
خسرو گلرخ - کرامت دانشیان
- ۱۳۵۳ - رفیق فتحعلی پناهیان
- ۱۳۵۲ - رفقا: عبدالعزیز پیرزاده چهرمی - سعید
بیوروش - فاطمه افدرینیا - جعفر محشمی - مصطفی
دقیق همدانی - حمید موسی - محمد علی خسروی
اردبیلی - حسن توسلی - حمید رضا هزارخانی
- ۱۳۵۵ - رفقا: انوشه فضیلت کلام - کیومرث منجوری
حسن فرجودی - حسین جوخاچی - گاوس رهگذر - محسن
نور بخش - فردوس آقا ابراهیمان
- ۱۳۵۷ - رفقا: فاسم سیادتی - بابک سیلابی - خسرو
پناهی - مهدی اقتدار منته - محسن نیک مرام - محمد
جواد عرفانیان - اکبر پاریسی کیا - عباس تیریسی -
محمد علی ملگوتیان
- ۱۳۵۸ - رفقا: شیر محمد درخشنده (توماساج)
عبدالحکیم مختوم - طواق محمد واحدی حسین چرجانی
- ۱۳۵۹ - رفقا: جهانگیر قلعه میاندوآب (جهان)
فرشاد مرعشی - محمد امین نوراشی
- ۱۳۶۱ - رفقا: مسعود رحمتی - حسن محمد بیور - علی
نوردی - بهمن فاسم زاده رشوی - جعفر رضاشی ابراهیم
کردی - مراد میرزایی - اسعد بزدانی - اسماعیل برزگر
فریدون یانه‌ای - فاطمه محمدی
- ۱۳۶۱ - رفقا: محمد رحیم سماش - مهدی اسحق علی
بقیه در صفحه ۷

برخی از رویدادهای تاریخی

- داخلی
- ۲ اسفند ۱۲۹۹ - انجام کودتای امپریالیستی انگلیسی
توسط رضا خان قلدرد
- ۹ اسفند ۱۳۳۴ - شکست کودتای شاه - بهمنی - بقاش
علیه دولت ملی مصدق
- ۱۱ اسفند ۱۳۴۸ - تظاهرات مردم تهران در رابطه با
انوبوسرانی
- ۱۴ اسفند ۱۳۴۴ - مرگ دکتر محمد مصدق ، رهبر جنبش
ملی شدن نفت
- ۲۴ اسفند ۱۳۳۲ - به آتش کشیدن کریمپور شیرازی
روزنامه نگار مترقی توسط مزدوران شاه
- ۲۸ اسفند ۱۳۵۷ - آغاز یورش رژیم خمینی به
کردستان در شهر سنندج
- ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ - روز ملی شدن صنعت نفت در سراسر
کشور
- خارجی
- ۲۲ فوریه ۱۹۶۵ - قتل مالکوم ایکس از رهبران جنبش
سایه‌پوستان آمریکا
- ۲۷ فوریه ۱۹۷۷ - تأسیس جمهوری دمکراتیک مخرای
پاختری توسط جبهه آزادیبخش بولیاریو
- ۱ مارس ۱۹۸۱ - شروع اعتصاب غذای بانی سانسز در
زندانیهای انگلیس
- ۲ مارس ۱۹۸۳ - کشتن رفیق جوزف استالین
- ۸ مارس - روز بین المللی زن
- ۱۴ مارس ۱۸۸۳ - مرگ کارل مارکس
- ۱۴ مارس ۱۹۵۴ - شروع نموده دین بی‌مورد و عقیم
- ۱۸ مارس ۱۸۷۱ - تشکیل کمون پاریس ، اولین
حکومت کارگری در تاریخ

در زندانهای خمینی گزارشی از یک رفیق

توضیح:
آنچه در زیر می‌آید ، گزارش جامعی از بعضی
زندانیهای رژیم خمینی در تاریخ‌های گوناگون است که
توسط یکی از رفقا تهیه شده است و طی چند شماره
از نظر خوانندگان مبارز می‌گذرد . ما در چاپ این
گزارش از ذکر نام بعضی افراد (زندانیان) بعلل
گوناگون خودداری کرده و تنها حرف اول نام و تعلق
سازمانی آنها را ذکر می‌کنیم . این گزارش از سا -
ستان ۶۱ تا اواخر سال ۶۳ را در بر می‌گیرد .

قبل از پرداختن به مسئله اصلی و جریانات در و ن
زندان لازم است در مورد یکی از ارگانهای جاسوسی
صحت کنم : یکی از منابع جاسوسی رژیم " اسور
تربیتی " یا " پاسدار معلما " می‌باشند که بعد
از انقلاب بهمن تحت نامهای امور تربیتی و انجمن
اسلامی مدارس و غیره در مراکز آموزشی در واقع
به جاسوسی برای رژیم می‌پردازند . این افراد در
تناسی مدارس حضور دارند و با وجود اینکه میخواهند
و انمود کنند که مثلا معلم انشا فارسی هستند اما
کارشان جز کسب اطلاعات و شناسایی افراد مخالف
نیست . ذکر این مطلب را برای این ضروری دانستم که
من و چندین تن دیگر توسط این افراد شناسایی و
دستگیر شدیم .

بقیه در صفحه ۷

حماسه سياهكل از نشریه راه آزادی

جمعیت دفاع از دمکراسی و استقلال ایران (داد)

حماسه سياهكل ، به مناسبت آغاز جنبش نویسن
مسلحانه ، یکی از صفحات درخشان تاریخ معا
ایران است . اهمیت ۱۹ بهمن ۴۹ از آنروست که پس
از سالها حکوت و خفقان و پس از اینکه رژیم شاه در
ظرف نزدیک به هشت سال بعد از سرکوب و خشیانه
قیام ۱۵ خرداد ، تقریبا با هیچگونه مقاومت جدی
رو برو نشده بود و ست از باده نخوت ، سپن سا را
" جزیره تبات و آرامش " می خواند ، در چنین
روزی ، آرامش سیاه حاکم با اندجار لگلوله های
دوازده مرد دلیر ، فرزندان پر شور و انقلابی سپن
ما ، بر هم زده شد . حرکت راهگشایانه این پیشتاوان
مبارزه مسلحانه انقلابی ، سر آغاز دوران جدیدی
در تاریخ سپن ما شد که مشخصه اصلی آن ق
بقیه در صفحه ۹



برای دریافت نبرد خلق
و سایر انتشارات سازمان با
آدرس های زیر مکاتبه کنید

APARTADO DE
CORREOS
50.610
MADRID SPAIN < اسپانیا

NABARD KHALGH
BOX 8847
40271 GÖTEBORG
SWEDEN < سوئد

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE < فرانسه

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز
سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه
رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است .
کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد ، یا
مستقیما بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی
سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض
رسید و یا فتوکپی آنرا به یکی از آدرس های سازمان
ارسال دارید .

حساب بانکی سازمان

CREDIT LYONNAIS BANQUE
2365
MME. TALAT R. T.
2617 G
LES HAUTS DE CHATOU
78400 CHATOU FRANCE

کد گیشه
شماره حساب

زنده باد استقلال ، دموکراسی ، صلح و سوسیالیسم